

خودمان را فریب ندهیم

درباره تبلیغات سیاسی تندروها در حمایت از ورود به جنگ



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

گاوریلو پرنسیپ صرب زمانی که ماشه را رو به شاهزاده و وارث تاج و تخت امپراطوری اتریش-مجارستان چکاند، شاید در میخلاه‌اش نمی‌گنجید این تئور آغازگر جنگ جهانی اول شود و بین ۷ تا ۱۳ میلیون تلفات غیرنظامی داشته‌باشد. جنگ اول سال ۱۹۱۴ آغاز شد. فقط ۱۱۰ سال از آن زمان گذشته و بشر در این یک قرن به مرور یاد گرفت که بی‌دلیل وارد جنگ نشود یا حداقل به‌راحتی جنگ راه نیاندازد و اگر هم راه انداخت، به دنبال منافع خود برود. علم سیاست به ما می‌گوید که سیاست‌گذاری و حکمرانی، تصمیم‌گیری در بزنگاه‌ها و رویدادهای سرنوشت‌ساز باید براساس منافع ملی باشد. با نگاه به همین مفهوم راهبردی است که روزی جنگی آغاز روز دیگر تمام می‌شود. ایران نیز مانند کشورهای دیگر باید منافع ملی خود را معیار اصلی قرار بدهد. در کشورمان، منافع ملی و آرامی در بعضی موارد با هم درآمیخته است. منافع ملی ایران هم امروز به ما نمی‌گوید باید وارد جنگی شویم که از یک سو، ریشه آن ارتباطی به ما ندارد و از سوی دیگر، ورود به آن ضروری نیست. واقعیت این است؛ حتی اگر نویسندگان کیهان به رسانه‌های اصلاح‌طلب و جریان‌های منتقد سیاست‌های تنش‌زا ایراد بگیرند که واداده‌اید و خط می‌گیرید، تمام جنگ‌ها و صلح‌ها، سر منافع شکل می‌گیرد. آرمان ادعایی آمریکا چیست؟ بسیار از آزادی و حقوق بشر می‌گویند؛ اما آیا تابه‌حال برای تحقق این آرمان‌ها وارد جنگ شده‌اند یا تمام منابع و ظرفیت‌های خود را به آن اختصاص داده‌اند؟ خیر. دیکتاتورهای خاورمیانه که قبل و بعد از بهار عربی تا همین امروز تحت حمایت ایالات متحده بوده و هستند، چه نسبتی با آزادی و حقوق بشر داشتند؟ هیچ نسبتی. منافع ملی آمریکا به سران این کشور می‌گوید با کشوری به خاطر گرن زدن با شمشیر وارد تخاصم شود یا با این کشور کار کند؟ مگر آنها منادی لیبرال‌دموکراسی نیستند؟ فرانسه که خود را مهد لائیسسته و رهایی می‌داند، در جریان جنگ الجزایر چند انسان را کشت؟ بنابراین، منافع مبنای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات کشورهاست.

با همین نگاه، به چین و روسیه هم نباید خرده گرفت که حمله اسرائیل به ایران را محکوم نکردند. همانطور که دو حمله موشکی و ترکیبی ایران به اسرائیل را محکوم نکردند. چرا باید وارد این درگیری شوند که ارتباطی با منافع‌شان ندارد؟ آنها بر خلاف ما به منافع ملی اهمیت زیادی می‌دهند. تنها ایرادی که این عدم محکومیت آن‌هم در میان افکار عمومی کشورمان دارد، این است که اثبات می‌کند حرف دستگاه تبلیغات سیاسی کشور درباره اتحاد استراتژیک میان ایران و چین و ایران و روسیه خلاف واقع بوده و هست. تبلیغاتی که می‌خواهد به جامعه القا کند ما اگر با غرب در تخاصم هستیم، به جایش با شرق ارتباط محکم و راهبردی داریم. این تفکر همان تفکری است که دوست دارد آدم‌ها باور کنند بریکس یا شانگهای - که اگر عملیاتی شوند و به بار بنشینند بسیار خوب هستند - جایگزین توافق هسته‌ای است. بدون اینکه به تفاوت‌های ذاتی آنها اشاره کند. این تفکر نمی‌گوید که چین - شاید بتوانیم آن را پدر «شرق» مورد نظر نیروهای تندرو بنامیم - کنار مکزیک و کانادا بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا است و تجارت میان دو کشور در سال ۲۰۲۲ طبق آمار رسمی دولت ایالات متحده، ۷۵۸ میلیارد دلار بوده است. گلوبال اکونومی به نقل از بانک جهانی، هزینه‌های دولت ایران در این سال را ۵۲۷۰۴ میلیارد دلار اعلام کرده است. اعداد گویا هستند. این‌ها پدیدبریم که همین کشورها، مسائل را انطور که برخی نیروهای سیاسی و فکری در کشور ما می‌بینند، تجزیه و تحلیل نمی‌کنند. نکته بعدی این است که مدام می‌گویند ما و شرقی‌ها، با غرب در حال جنگیم. باید غرب را تعریف کنیم. غرب

چیست؟ اقتصاد سرمایه‌داری است؟ آزادی‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی است؟ اگر چنین است که چین و روسیه به غیر از آزادی سیاسی، تقریباً تمام این موارد را کم‌وبیش دارند. غرب در تلاش برای برقراری هژمونی بر جهان است؟ حداقل چین هم دارد تلاش می‌کند این هژمونی برقرار شود، روس‌ها هم به‌نحوی دیگر، یکبار بگویند این غرب که مدام در جنگ با آن هستیم، چیست؟

جهان یک سازوکار دارد که براساس آن پیش می‌رود و بر پایه منافع استوار است. این سازوکار همیشگی نیست و روزی تغییر خواهد کرد. تندروهای داخلی هر چند مدام از این تغییر حرف می‌زنند و آن را توجیهی برای تحلیل‌هایشان قرار می‌دهند، این تغییر را هم با منطق دوران دوقطبی جنگ سرد می‌بینند. از سازوکار جدید صحبت می‌کنند اما ذهن‌شان همچنان مطالب را در قالب شرق و غرب می‌بیند. این سازوکار هم که تغییر کند، آیا ایران می‌تواند همین سیاست را دنبال کند؟ مثلاً ایجاد یک متحد غیردولتی برای حمایت از مستضعفین منطقه سین‌کیانگ چین پذیرفته است؟ نیست. کشورها از سیاست‌هایی مشابه اقدامات ایران در منطقه برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند؛ اما هسته مرکزی سیاست‌های خود را بر این اساس قرار نمی‌دهند.

بهره بردن از مزایای اقتصاد جهانی و گوشه‌گیر نبودن در معادلات بین‌المللی، الزاماتی دارد و یکی از آنها داشتن تعامل و دوری از تخاصم با کشورهای غربی است. سعید جلیلی درست می‌گوید که دنیا فقط کشورهای اروپایی و آمریکا نیستند؛ اما به حرف او باید یک تبصره هم اضافه کرد. هیچ کشور تأثیرگذاری در جهان، تخاصم و تنش مدام با کشورهای غربی ندارد. یکی از دلایل دوری از تخاصم، این است که سازوکارهای مالی و سیاسی در این سمت جهان کنترل می‌شود. می‌توانیم خودمان را گول بزینم که بانک بریکس قرار است ناجی ما باشد اما در نهایت این فریب، فرار از این واقعیت است که ما، میانمار و کره شمالی تنها کشورهای لیست سیاه FATF هستیم. هیچ کدام از کشورهای بریکس و شانگهای در این لیست قرار ندارند. دو روز قبل یکی از چهره‌های رسانه‌ای اصولگر و مدیر سابق روزنامه جوان در توئیتر نوشته بود که ایران به دو دلیل اف‌ای‌تی‌اف را نمی‌پذیرد: «به خاطر دور زدن تحریم‌ها و کمک به نهضت‌های اسلامی». دلیل اول شاید با تخفیف و برای کوتاه‌مدت تا راه‌حلی برای آن پیدا شود، قابل‌پذیرش باشد اما آیا دلیل دوم برای یک ملت قابل‌پذیرش است که عواقب قرار داشتن در لیست سیاه یک سازوکار بین‌المللی را بپذیرند چون قرار است به نهضت‌های اسلامی کمک‌مالی شود؟ بعضی واقعیت‌ها زهرآگین و تلخ هستند اما در نهایت باید آنها را پذیرفت. ایران تاکنون چندبار تلاش کرد تا خود را جدی رادر جامعه جهانی پیدا کند؛ اما هر بار این جماعت تندرو با اشکال مختلف منافع ملی را قربانی منافع آرمانی کردند. یکبار از دیوار سفارت انگلیس بالا رفتند و یکبار از دیوار سفارت عربستان. یکبار اتفاقاتی خارج از ایران در آمریکای لاتین و اروپا افتاد و به ایران نسبت داده شد؛ اما در نهایت ما به مشکل برخوردیم. موقعی که خزانه پر بود و قطعنامه‌های شورای امنیت یکی بعد از دیگری صادر می‌شد، یکی می‌گفت آنقدر قطعنامه بدهید تا قطعنامه‌دان‌تان پاره شود و دیگری هر روز خبرنگارها را به خیابان می‌فرستاد که از مردم بپرسد آیا تحریم‌ها بر زندگی آنها اثر گذاشته یا نه. غافل از اینکه صبر حریف زیاد است و آنقدر صبر می‌کند که به خودمان می‌آییم و ۱۲ سال بعد از تشدید تحریم‌ها تا سر در مشکلات فرو رفتیم. الان هم به شکلی دیگر به ایران ضربه می‌زنند و می‌خواهند جنگ راه بیندازند. غافل از اینکه ایران امروز ایران ۴۰ سال قبل نیست. منافع آرمانی را تا جایی باید دنبال کرد که تضعیف‌کننده منافع و امنیت ملی نباشد. آرمان‌های ما باید با داشته‌ها و ظرفیت‌هایمان همخوانی داشته‌باشد. اگر غیر از این باشد، فقط هزینه است و نه بیشتر. سیاست ایران در قبال اسرائیل هم باید وضعیت مردم ایران، لبنان و فلسطین را در نظر بگیرد. می‌شود تا ابد موشک جواب موشک باشد، اما روشن کنیم بعد از آن قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک

نقشه راه مواجهه با آمریکا

بررسی اظهارات صریح پزشکیان در نشست با دیپلمات‌های ارشد

▼ مواجهه با آمریکا

آنچه رئیس‌جمهور در مورد مواجهه اجتناب‌ناپذیر با آمریکا در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح کرد، مسئله‌ایست که می‌توان هزاران کلمه درباره آن در مطبوعات نوشت. ایران به صورت دوجانبه در چند حوزه از جمله مسئله هسته‌ای و تحریم‌ها با آمریکا درگیر است. در مسئله اسرائیل، با توجه به پشتیبانی تمام‌قد آمریکا از اسرائیل و پشتیبانی ایران از گروه‌های مقاومت نیز دو کشور با یکدیگر مواجه پیدا می‌کنند. همین مسئله اسرائیل، خود را در سوریه، لبنان و نوار غزه نشان می‌دهد. آمریکا در خلیج فارس حضور گسترده نظامی و سیاسی دارد. بحرین محل استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی و قطر مرکز فرماندهی سنکدام و همچنین نقطه استقرار نیروی هوایی این کشور است. بحرین و قطر دو پایگاه اصلی آمریکا هستند و این به غیر از پایگاه‌های کوچک‌تر ایالات متحده در کشورهایمانند امارات، اردن و کویت است. عراق را نیز می‌توان یکی از نقاط مواجهه میان دو کشور قلمداد کرد که البته این بر خودرها از سال ۲۰۰۳ (اشغال عراق و سقوط صدام) تا امروز شدت و ضعف داشته است. بنابراین تضاد منافع زیادی در خلیج فارس نیز به وجود می‌آید. به دلیل تضاد منافع میان دو کشور در مسائل راهبردی، بخش زیادی از تحلیل‌گران معتقدند که تماس و ارتباط میان ایران و آمریکا باید به صورت مستقیم و نه از طریق واسطه و پیغام‌رسان‌ها برقرار باشد. در این حلقه کارشناسان، عده‌ای نیز معتقدند که نتنها تماس میان دو کشور بلکه ارتباط دیپلماتیک نیز باید برقرار شود و با گذر زمان و تأکید بر اشتراک منافع، در نهایت با آمریکایی‌ها کار کنیم. طرح این موضوع همیشه با واکنش از سوی تندروها مواجه شده اما آریند تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ایران امروز به این تصمیم نیاز دارد و البته تصمیم‌گیری در حوزه آمریکا از سطح دولت بالاتر است.

▼ حاضران چه کسانی بودند؟

مهمانان رئیس‌جمهور در این جلسه را باید با پیشینه دیپلماتیک‌شان بشناسیم؛ سیدعباس عراقچی که در حال حاضر ارشدترین دیپلمات کشور است و محدوداد ظریف نیز که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ وزیر امور خارجه کشور بود. علی‌اکبر صالحی، کمال خرازی و علی‌اکبر ولایتی به ترتیب ۳، ۸ و ۱۶ سال اداره وزارت خارجه را بر عهده داشتند. خرازی در حال حاضر رئیس شورای راهبردی روابط خارجی است. مهدی سنایی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور، پیش از این سفیر ایران در روسیه و به دنبال بازگشت از ماموریت مشاور ارشد وزیر خارجه شد. او سابقه ماموریت‌های دیپلماتیک به عنوان رایزن فرهنگی در قزاقستان و روسیه را نیز دارد. سیدمحمد صدر امروز عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است اما پیش از این دو دوره معاونت وزارت خارجه را بر عهده داشت. محمود واعظی نیز به عنوان وزیر و

گزارش دو

حضور بدون رئیس‌جمهور

ارزیابی کارشناسان از مشارکت ایران در اجلاس جهانی تغییر اقلیم در باکو

▼ مشکلات محیط زیستی ناشی از مدیریت نامطلوب

بهمن ایزدی، کارشناس محیط‌زیست، درگفت‌وگوبا هم‌میهن حضور ایران در اجلاس کاپ‌را مهم توصیف کرده‌می‌گوید: «باتوجه‌به عضویت ایران در کنوانسیون تغییرات اقلیم، حضور نماینده ایران در این اجلاس برای طرح مسائل ومشکلات مربوط‌به محیط‌زیست‌ورسیدن‌به جایی‌که بتوانیم کمک‌های مالی این کنوانسیون را براساس استانداردهای کاپ دریافت کنیم، مهم است.» او درباره تأثیر حضور ایران در اجلاس‌های قبلی کاپ و بهبود شرایط زیست‌محیطی کشور عنوان می‌کند: «چنانچه به صورت منطقی وضعیت موجود منابع پایه کشور را ارزیابی کنیم و به برنامه‌های توسعه‌ای کشور دقت کنیم، متوجه می‌شویم هر چه جلوتر رفته‌ایم نتیجه‌ای معکوس گرفته‌ایم. در برنامه پنجم توسعه کشور به درستی بخشی را به موضوع محیط‌زیست اختصاص داده بودند و طی آن قوانینی تدوین شده بود که به‌بهبود محیط‌زیست کمک می‌کرد اما در عمل و اجرا نتوانستیم این قوانین را به درستی مدیریت کنیم و در موارد بسیاری از دستورالعمل‌های آن برنامه دور شدیم، یعنی عملکرد ما خیلی جاها با روح برنامه‌های توسعه در تضاد بود. بدین معنا که در واقع ما از استانداردهای بین‌المللی در خصوص مقابله‌باتغییرات اقلیمی‌و ایجاد اعتدال منابع‌فاصله‌زیادی گرفته‌ایم.» این کارشناس محیط‌زیست درباره اظهارات رئیس سازمان محیط‌زیست درباره رابطه تحریم‌ها و شرایط محیط‌زیستی کشور هم تصریح کرد: «قطعاً تحریم‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن بر تمام بخش‌ها و امور کشور از جمله محیط‌زیست تأثیری منفی گذاشته است اما توجه کنید که مسئله حفاظت از محیط زیست چنان مهم است که در اصل پنجاهم قانون اساسی هم مورد تأکید قرار گرفته اما در مرحله عمل باید بررسی کرد که آنچه در قانون اساسی مقرر شده در کجا رعینت یافته و آیا به صورت جدی در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور مورد توجه مدیران قرار گرفته است یاخیر؟» او تصریح می‌کند که برنامه‌ریزان به دلیل آشنایی اندک‌باموقعیت‌متنوع اقلیم کشور و با بی‌اعتنایی به برنامه‌های توسعه پایدار و همچنین بی‌توجهی به مفاد قانون اساسی، باعث تضعیف برنامه‌های راهبردی شدند که کشور را به سمت ایجاد شاخص‌های سلامت



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن



شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست‌به نمایندگی از ایران در بیست‌ونهمین اجلاس کنوانسیون تغییر اقلیم (COP۲۹) در کشور آذربایجان حضور یافت. این اتفاق در حالی رخ داد که ابتدا قرار بود، ریاست هیئت ایرانی در این اجلاس را شخص مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور بر عهده داشته‌باشد؛ موضوعی که با وتوی برخی جریان‌های تندرو مواجه شد و سرانجام هیئت ایرانی در سطح رئیس سازمان محیط‌زیست وارد آذربایجان شد. شینا انصاری در بدو ورود به باکو درباره اهداف حضور هیئت ایرانی در کاپ ۲۹ با اشاره به اینکه ایران عضو کنوانسیون تغییر اقلیم است، گفت: «تمرکز ما بر موضوع تحریم‌های یکجانبه‌و غیرعادلانه‌ای است که به‌طور غیرمستقیم محیط‌زیست کشور ما را تحت تأثیر قرار داده است. این تحریم‌های ظالمانه دسترسی به تکنولوژی‌های نوین، به‌روزرسانی صنایع، منابع مالی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را به‌طور چشمگیری محدود کرده است و تا زمانی که تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران به‌طور کامل رفع نگردد، انتظار پایبندی به اصول و اهداف این کنوانسیون، بدون توجه و غیرمنطقی است.» او در ادامه افزود: «جمهوری اسلامی ایران به‌رغم همه محدودیت‌ها و تحریم‌های نااعادلانه، تاکنون اقدامات ملی مناسبی در اجرای مفاد کنوانسیون تغییر اقلیم انجام داده است، از جمله اهم این اقدامات می‌توان به تدوین سند اقتصاد کم‌کربن، تدوین برنامه راهبردی ملی تغییر اقلیم، درج موضوع تغییر اقلیم در قالب بند الحاقی به ماده ۲۲ برنامه هفتم توسعه کشور و تشکیل کارگروه ملی تغییر اقلیم با حضور دستگاه‌های ذی‌صلاح طبق آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران اشاره کرد.» او همچنین تأکید کرد که راه‌اندازی نظام اندازه‌گیری، گزارش‌دهی و راستی‌آزمایی (MRV)، تبادل انتشار و کاهش انتشار با اقدامات بهینه‌سازی مصرف انرژی و توسعه تجدیدپذیری‌ها می‌تواند با دیپلماسی فعال محیط‌زیست، موجبات مدیریت سازگاری با تبعات تغییر اقلیم را در پی داشته‌باشد.